

امیر علی نبویان از نمایش «تناسخ ۳ تا ۳۵ تومن» به «صبا» می گوید

# می خواستیم با مرگ شوخی کنیم!

زهرا سادات مصطفوی

گفت و گو

نمایش «تناسخ ۳ تا ۳۵ تومن» به کارگردانی امیر علی نبویان و بازی هومن حاج عبداللهی و بهار نوروزپور پس از اجرای عموم خود حال در چند سانس نیز در جشنواره تئاتر فجر در بخش مسابقه تئاتر ایران ۲ مورد استقبال عموم قرار گرفته است. نمایش، در کل دو بازیگر دارد که در سه پرده مرگ هشتگرد، گواستوری و هانی بیسبال روایت می شود. کاراکترها شخصیت های متفاوتی از انسان تا حیوان را بازی می کنند. موضوع اصلی مرگ و نحوه مرگ است و در قالبی طنز دستمایه نویسنده و کارگردان قرار گرفته است. نکته دیگر نیز در این نمایش توجه به تناسخ است که در قالب یک شرکت تناسخ گستران شرق با مسئولیت محدود ارواحی را که تمایل دارند به هر شکلی دوباره به دنیا برگردند را بازی می گرداند و این چرخه ادامه پیدا می کند، اما نحوه قرار گرفتن مجددشان در دنیا به چگونگی زیستشان روی زمین نیز مرتبط است و همه این ها به نوعی در قالب شوخی و طنز پرداخته شده است. این نمایش، دیالوگ محور است؛ به طوری که تمرکز حاجی عبداللهی بر تعریف قصه ها در قالب دیالوگ است و ماجرای نوع زیست و مرگش روی زمین را با دیالوگ البته نه به صورت صرف، بلکه با حرکات بدنی نیز به جمع نشان می دهد؛ بنابراین همه جملات دیالوگ ها کلیدی هستند. به بهانه حضور این اثر در سی و هفتمین جشنواره تئاتر فجر در بخش مسابقه تئاتر ایران ۲ گفت و گویی با امیر علی نبویان کارگردان این اثر داشته ایم که در ادامه می خوانید.

باتوجه به سابقه و شناختی که در زمینه مدیریت داشته به خوبی از عهده این نقش برآمد. هومن حاجی عبداللهی نیز بازیگر متمرکز و بداهه پرداز است اما در این کار جایی برای بداهه پردازی در دیالوگ نداشتیم و از خلاقیت او در میزانشن ها استفاده کردیم. برخی از موضوعات را من به او گفتم و گاهی حاجی عبداللهی پیشنهادهای را عنوان می کرد. بعضا پیش می آمد که پیش زمینه فکری که من از قسمتی از متن داشتم نادیده گرفته و ایده های جدیدی جایگزین آن می شد. ۲۵ تا ۳۰ روز تمرین داشتیم و در طی آن شکل نهایی متن شکل گرفت.

**شما برای اولین بار است که حضور در جشنواره تئاتر فجر را تجربه می کنید. از نظر شما نمایش «تناسخ ۳ تا ۳۵ تومن» توانسته در جشنواره امسال موفق باشد، پیش بینی خود شما در این باره چیست؟**

در جشنواره چندین اثر توسط داوران با یکدیگر مقایسه می شود. پس تنها با دیدن یک اثر مستقل نمی توان پیش بینی از توفیق یا عدم توفیق نمایش داشت. من در باره آثار دیگر اطلاعات دقیقی ندارم و به ویژه آثاری که اجرای عموم در تهران نداشته اند. به همین سبب نمی توانم در این باره اظهار نظری داشته باشم. همیشه معرفی کاندیدا و برنده جوایز در مقایسه همه آثار شکل می گیرد، بنابراین به دلیل اطلاعاتی که ندارم نمی توانم حرفی بزنم و حرف زدن با این شرایط نیز کار درستی نخواهد بود.

**در جشنواره امسال شاهد حضور جوانان هستیم، از نظر شما حضور یا کسب جوایز از این جشنواره که اتفاق بزرگی در زمینه تئاتر کشور است می تواند نقطه عطفی در کارنامه کاری آن ها باشد؟**

من می توانم درباره خودم پاسخ دهم. راستش را بخواهید برای من تفاوتی ندارد. من نه با کسب جایزه به بهترین جایگاه کاری خودم می رسم و نه با عدم دریافت آن امیدم را از دست می دهم. فکر می کنم یک خوشحالی یا غم زودگذر است که مدتی با ما همراه است و بعد از آن فراموش می شود. این نظر شخصی من است ولی دیگران باید خودشان این سوال را پاسخ دهند!

**اگر نکته یا مسئله ای در رابطه با جشنواره تئاتر فجر وجود دارد به عنوان سخن پایانی بفرمایید.**

من تشکر می کنم از هیات انتخاب که اثر ما را در این جشنواره پذیرفتند و از هیات داوران که قدم رنجه کردند و به تماشای نمایش ما نشستند. همچنین متشکرم از افرادی که در اجرای عموم در تیر و مرداد سالی که پشت سر گذاشتیم با ما همراه بودند.

**یک مقدار از ویژگی کلی نمایشنامه بفرمایید و این که ما در این نمایش شاهد چه دغدغه های فکری از سمت شما به عنوان نویسنده و کارگردان هستیم؟**

من دغدغه های فکری ام را با اجرای این نمایش به تصویر کشیده ام و از نظرم توضیح درباره آن چیز خوشایندی نیست. مخاطبان نمایش را دیده اند و آن ها باید در این مورد نظر بدهند.

**به طور کل نمایش «تناسخ ۳ تا ۳۵ تومن» سعی دارد چه دیدگاه مشخصی را به مخاطب خود نشان بدهد؟**

ما می خواستیم با مرگ شوخی کنیم! و سعی کردیم از تکنیک قیاس بهره ببریم که دو گونه مرگ چطور با یکدیگر مقایسه می شوند، برای ارتباط این دو، از تناسخ استفاده کردیم. این طور به داستان نگاه کردیم که یک روح دو زندگی را تجربه کند و به دو شیوه متفاوت بمیرد. این دو مبنای محتوایی این نمایش را شکل داد. اصل داستان به چه کسی و چه چیزی مردن، می پردازد.

**لطفا یک مقدار از تجربه کارگردانی خود در زمینه تئاتر بفرمایید.**

من هیچ وقت به سمت متنی که خودم ننوشته ام برای کارگردانی نمی روم و در چند تجربه ای که داشته ایم تنها آثار خودم را روی صحنه برده ام. در این نمایش احتیاج به یک فضای وهم انگیز داشتیم که بتوانیم در آن خیال کنیم. پس یک شرکتی را در نظر گرفتیم و نام «تناسخ گستران شرق» را برای آن انتخاب کردیم که وظیفه آن معرفی قالب های گوناگون برای ارواح است به دلیل حلول در مشرق زمین! پس ما احتیاج به المان های صدا و تصویر داشتیم تا بتوانیم وهم و خیال را به درستی به تصویر بکشیم. صحنه ما دو دیوار دارد، که یکی از آن ها جادویی است که گاهی جزئی از دکور و گاهی جزئی از روایت بازیگری که نحوه مرگش را تشریح می کند می شود. به همین ترتیب صداها نیز جزئی از این خیال پردازی هستند و بازیگر با آن صداها بازی دارد گویی که بخشی از روایت اوست و به نوعی فلاش بکی از موضوعی است که او برای مخاطب روایت می کند. طراحی صحنه و لباس کار توسط بهار نوروزی پور طراحی شد.

**امکان دارد یک مقدار از انتخاب بازیگران اثر بفرمایید.**

مهم ترین ویژگی که درباره بهار نوروزی پور وجود داشت این مسئله بود که من شناخت کافی از او داشتم و او نیز از ابتدا در جریان جزئیات نگارش نمایشنامه بود. ما در این نمایش با مدیر یک شرکت روبه رو هستیم. نوروزی پور

